

## تبیین تحلیلی تربیت عبادی کودک براساس اندیشه تربیتی ابن سینا

ناهید حیدری\*

سعید بهشتی\*\*

علی دلاور\*\*\*

محسن ایمانی\*\*\*\*

### چکیده

هدف این پژوهش تبیین تربیت عبادی کودک براساس اندیشه تربیتی ابن سینا می باشد. روش تحقیق نیز توصیفی تحلیلی از نوع تحلیل محتوا می باشد. تربیت عبادی در نگاه ابن سینا، تجلی حکمت، رحمت و نعمت عظیم خداوندی است. حکمت، از آن جهت که نظام زندگی بشر را استوار می سازد. رحمت، از آن رو که خداوند به دین داران پاداش جزیل اخروی عطا می کند. نعمت از آن جهت که انسان مقید به اوامر شرع، به معرفت عالی از جهان آفرین نائل می گردد. «هدف اولیه» تربیت عبادی، آشنا کردن متربی با اعمال عبادی است. مقصد نهایی آن از نظر ابن سینا، رسیدن به قرب حق اول، ذات احدیت، معرفی گردید. زمینه های تربیت عبادی از دواج و محیط هستند. اصول تربیت عبادی نیز شامل آشنایی متربی با اعمال عبادی و اصل اعتدال است. در رابطه با روش ها می توان از روش آماده سازی، الگوپذیری و آشنایی با اماکن مذهبی نام برد. محتوای تربیت عبادی نیز از دید ابن سینا کلیه شعایر دینی است. براساس بیانات بوعلی عوامل تربیت عبادی شامل خانواده، مدرسه و دوستان است. روش تحقیق نیز تحلیل محتوای قیاسی می باشد.

واژگان کلیدی: ابن سینا، تربیت عبادی، کودک.

### مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین ابعاد تربیت دینی، تربیت عبادی یا عملی است. این نوع از تربیت شامل پرورش بعد معنوی و ایجاد رابطه با خداوند است. به‌دیگرسخن، در تربیت عبادی، کودک را با اعمال و احکام شرعی آشنا و آنان را با انگیزه راسخ، مکلف به انجام آن امور می‌کنند. تربیت عبادی، اهمی درونی است که اگر به شیوه‌ای صحیح و علمی در دوره کودکی بنیانش گذاشته شود، می‌تواند حیات فردی و اجتماعی کودک را در سنین بزرگسالی تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، می‌توان گفت پرورش بعد عملی تربیت دینی (تربیت عبادی) عاملی کنترل‌کننده و بازدارنده و به بیانی دیگر تقویت‌کننده وجدان اخلاقی است.

تحقیقات زیادی درباره تربیت عبادی کودک از سوی پژوهشگران و فلاسفه تعلیم و تربیت انجام شده است. یکی از این فلاسفه ابن سیناست که این تحقیق سعی دارد به بررسی تربیت عبادی از منظر وی بپردازد. در روایات مختلف آمده است که باید کودکان را در خردسالی به انجام اعمال عبادی عادت داد تا در زمان بلوغ، انجام تکالیف شرعی، برایشان دشوار نباشد. از نظر ابن سینا، فایده انجام عبادات افزون بر بقا و دوام شریعت، بهره‌مندی عبادت‌کنندگان از کمالات اخروی، در سایه تزکیه و پاکسازی خودشان می‌باشد (ابن سینا، ۱۳۶۳، ترجمه ملکشاهی، ص ۴۴۳).

از ویژگی‌های مهم کودکان، عادت‌پذیری آنهاست. در این سنین می‌توان صورت کامل بعضی از اعمال واجب دینی مثل نماز و احکام آن را به کودک آموزش داد. بعد از اتمام آموزش، باید کودکان را وادار به انجام اعمال عبادی نمود؛ البته باید توان و بنیه جسمی کودکان را در نظر داشت و رویه‌ای معتدل در پیش گرفت. با توجه به آنچه مطرح شد سؤالاتی که می‌تواند قابل طرح در این پژوهش باشد این است که به‌عنوان نمونه، محتوای تربیت دینی از منظر ابن سینا کدامند؟ اصول تربیت دینی از منظر ابن سینا چه مواردی است؟ و...

### پیشینه پژوهش

زیباکلام مفرد و حیدری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی دیدگاه ابن سینا در باب تعلیم و تربیت» ابتدا گرایش عقلی به تعلیم و تربیت در اندیشه‌های ابن سینا را مطرح کرده‌اند. سپس تعریف، مبانی، اصول، اهداف، محتوا و روش‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن سینا آورده شده است. نکته‌ای که در دیدگاه تربیتی ابن سینا اهمیت دارد آن است که او تعلیم و تربیت را زیر چتر دین و با تأکید بر اندیشه‌ورزی مطرح کرده است.

فردین جمور (۱۳۸۸) در اثر «تبیین مبانی ارزش‌شناسی و انسان‌شناسی تربیت اخلاقی از نظر آکوئیناس و نقد آن از منظر ابن سینا» به سه سؤال اصلی می‌پردازد که عبارت‌اند از: اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از نظر آکوئیناس چیست؟ دیدگاه تربیت اخلاقی آکوئیناس بر چه مبانی مبتنی است؟ از نظر ابن سینا چه نقدهایی بر مبانی ارزش‌شناسی، انسان‌شناسی و دیدگاه تربیت اخلاقی آکوئیناس می‌توان وارد دانست؟ به صورت کلی نقدهای مطرح شده عبارت‌اند از: به فضیلت عدالت در وجود انسان توجه سطحی و گذرا دارد؛ به مراتب متعدد سعادت و شقاوت انسان کمتر توجه کرده است؛ آکوئیناس فرشتگان را به دو دسته خوب و بد تقسیم کرده است؛ منکر دستیابی انسان از راه مکاشفه ذهنی است؛ و معتقد است، که انسان به تنهایی نمی‌تواند فضایی مانند ایمان، رجاء و احسان را کسب کند و همچنین وجود فطرت پاک را در انسان رد کرده است. خلیلی و همکاران (۱۳۹۰) مقاله «بررسی تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا» را نگارش نموده‌اند. در این تحقیق آمده است که ابن سینا مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف تعلیم و تربیت اخلاقی-دینی را رسیدن فرد و جامعه به سعادت و کمال می‌داند.

با بررسی پژوهش‌ها مشخص شد که تاکنون مطالعه و پژوهش مدون و مستقلی پیرامون تربیت عبادی کودک براساس اندیشه تربیتی ابن سینا انجام نشده است. بعضی از پژوهش‌ها، معطوف به فرایند تعلیم و تربیت از نگاه ابن سینا بوده‌اند و تربیت عبادی را ذیل فرایند تعلیم و تربیت به صورت ضمنی بررسی کرده‌اند. بعضی نیز تنها به بعد اخلاقی تربیت دینی معطوف بوده‌اند. سرانجام باید گفت حدود و ثغور تربیت عبادی و ابعاد آن در پژوهش‌های یادشده مشخص نشده است. از این‌رو پژوهش حاضر می‌کوشد به بیان مفهوم تربیت دینی و مؤلفه‌های آن بپردازد.

### روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر، تحلیل محتوای کیفی از نوع قیاسی است. تحلیل محتوا عبارت است از شناخت و برجسته کردن محورهای اصلی یک متن یا متون مکتوب، با هدف فراهم آوردن تحلیل توصیفی (ساروخانی، ۱۳۷۸، ص ۸۲). همچنین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روشی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست. بنابراین، روش تحلیل محتوای کیفی روشی برای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی است (ایمان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲). چون محقق در این پژوهش با منابع مکتوب ابن سینا و دسته‌بندی مضامین و جملات مرتبط با تربیت اخلاقی سروکار دارد، از این‌رو روش پژوهش از نوع تحلیل محتوای کیفی است. از سوی

دیگر چون محقق از تبیین مفهوم تربیت عبادی درصدد استنباط کارکردهایی برای تربیت عبادی است، از این رو برای دست یافتن به چنین کارکردهایی از روش قیاس نظری نیز استفاده می‌کند.

## یافته‌ها

### مفهوم تربیت عبادی

تربیت عبادی در نگاه ابن سینا، تجلی حکمت، رحمت و نعمت عظیم خداوندی است. حکمت، از آن جهت که نظام زندگی بشر را استوار می‌کند، رحمت، از آن رو که خداوند به دینداران پاداش جزیل اخروی عطا می‌کند، نعمت از آن جهت که انسان مقید به اوامر شرع، به معرفت عالی از جهان آفرین می‌رسد و آن سرور حقیقی و والاترین ابتهاج برای عارفان است (ابن سینا، ۱۳۱۵، ترجمه ابردانا، ص ۴۰۲). بنابراین تربیت عبادی از نظر بوعلی، یادگیری اعمالی است که رابطه انسان را با خدا نزدیک کرده و بعد معنوی زندگی انسان را تقویت می‌کند.

### مراحل تربیت عبادی

#### الف. مرحله اول کودکی، تربیت در منزل (تولد تا شش سالگی)

در روایات مختلف است که باید کودکان را در خردسالی به انجام اعمال عبادی عادت داد تا در زمان بلوغ، انجام تکالیف شرعی، برایشان دشوار نباشد. این مرحله، مرحله آشنایی کودک با اعمال و آداب دینی است. از نظر ابن سینا، از آنجا که شناخت خداوند از معرفت‌های لازم و مهم به‌شمار می‌آید، برای تحکیم شناخت خداوند (اصل توحید)، عبادات و اذکار و مناسک دینی مقرر شده است (ابن سینا، ۱۳۷۷، ترجمه حسن‌زاده آملی، ص ۷۸). در این مرحله، آشنایی کودک با اعمال دینی و تکالیف شرعی مد نظر است. برای رسیدن به این منظور، والدین باید در حضور کودک این اعمال عبادی را انجام دهند تا زمینه انس کودک با آن اعمال را ایجاد کنند. زمانی که کودک به چهار سالگی رسید، می‌تواند از راه مشاهده و تقلید از والدین، اعمال عبادی را بیاموزد (همان منبع). در شش سال اول زندگی از نظر بوعلی تربیت عبادی شامل آشنایی مقدماتی کودک با اعمال و احکام دینی است. به عبارت دیگر کودکان را باید به انجام این اعمال ابتدا عادت داد تا زمینه مأنوس شدن با این اعمال در آنها ایجاد شود.

#### ب. مرحله دوم کودکی، تربیت در مکتب (شش تا سیزده سالگی)

ابن سینا می‌نویسد در شریعت تکرار کارهایی بر انسان واجب و لازم شده است تا با انجام آنها در فاصله زمانی معین، یاد خدا و معاد در اذهان بیدار نگه داشته شود (ابن سینا، ۱۳۷۷، ترجمه یثربی، ص ۳۲۶).

همچنین، وی معتقد است که باید بعضی از عبادات به صورت گروهی و جماعت، مشروط به حضور پیشوای مدینه باشد؛ مانند اعیاد تا موجب نشاط، تحرک، نقش‌آفرینی مردم و نزول برکات شود (ابن سینا، ۱۳۷۷، ترجمه یثربی، ص ۴۵۲). انجام عبادات در سنین کودکی و قبل از بلوغ، سودمند است؛ زیرا باعث پاکی نفوس آنها می‌شود و سعادت اخروی نیز با پاکسازی نفس حاصل می‌شود. سعادت، هدف غایی است که انسان به دنبال کسب آن است و هدایت به راه سعادت نیز بالاترین هدایت‌هاست؛ زیرا شرافت هدایت‌ها به غیایاتی است که به آن رهنمون می‌شوند. سعادت حقیقی در نزدیکی به حق اول است که مطلوب‌های دیگر در برابر آن ناچیز است و حکمای الهی میل و رغبت‌شان برای نیل به این سعادت، بیش از رسیدن به سعادت جسم است (اعرافی، به نقل از ابن سینا، ۱۳۹۴، ص ۷۹-۸۰). این مرحله از کودکی چون مصادف با رفتن به مدرسه است، از نظر ابن سینا تربیت عبادی صورت عملی و جدی‌تری به خود می‌گیرد. می‌توان بعضی از اعمال عبادی مثل نماز را به کودک به صورت کامل یاد داد که البته در این زمینه ابن سینا معتقد به در نظر داشتن تفاوت‌های فردی و نیز توان جسمی کودکان است.

#### اهداف تربیت عبادی

**هدف غایی:** «ابن سینا آشکارا سعادت را (که همان قرب به حق اول است)، برترین هدف فعالیت‌های انسان و هدایت دیگران به سوی سعادت را برترین هدایت و علوم و معارف راهنمایی‌کننده انسان به سوی سعادت را برترین علوم و معارف می‌داند» (ابن سینا، ترجمه ملک‌شاهی، ۱۳۶۷، ص ۲۶۱). از نظر ابن سینا قرب به حق اول، از طریق کمال نفس ناطقه میسر می‌شود. کمال نفس ناطقه به این است که عالمی معقول شود و مراتب وجود، چه مراتب نزولی و چه مراتب صعودی، همه را به خوبی همچنان که هست بشناسد و هیئت کل وجود و نسبت اجزاء آن به یکدیگر، در نزد او تقرر یابد؛ به طوری که کل هستی چنان که هست در آینه ضمیر انسان منعکس شود. این امر از راه کسب مجهولات به وسیله معلومات برای انسان میسر است و از این رهگذر عقل به مرحله عقل بالفعل و عقل مستفاد می‌رسد (ابن سینا، ترجمه یثربی، ۱۳۷۷، ص ۷۳). از نظر ابن سینا هدف غایی تربیت عبادی، رسیدن بنده به تقرب الی الله است. این هدف از نظر وی والاترین هدف زندگی انسان است و بقیه اهداف، واسطه و وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف عالی می‌باشند.

## اهداف واسطه‌ای

در این باب، ابن سینا می‌نویسد: «شارع مقدس (خداوند) می‌دانست، همه در مدارج عقل بالا نمی‌روند به همین خاطر عبادات را وضع کرد تا آدمیان به بهائم شبیه نگردند. انسان بدون پرورش قوای عالی خود، فرقی با حیوانات ندارد و عبادات شرعی، اولین مرحله‌ای است که طی آن روح به بیداری می‌رسد و عقل و اندیشه آدمی به کمال می‌رسد. او نیز مانند افلاطون و ارسطو به نظم جهان اعتقاد داشت؛ بنابراین تربیت عبادی را رشد عقل، و به‌منظور درک واقعی و عمیق این نظم می‌دانست. در این راه، اهداف مادی ارزش تلقی نمی‌شوند؛ منافع روحانی تربیت برای اشخاص و پس از آن برای جامعه، همواره مدنظر او بوده است» (ابن سینا، ۱۳۷۷، ترجمه حسن‌زاده آملی، ص ۲۸۲). منظور از اهداف واسطه‌ای تربیت عبادی از نظر ابن سینا آن دسته اهدافی است که به منزله ابزاری هستند که راه را برای رسیدن به هدف غایی هموار می‌کند. این اهداف عبارت‌اند از:

### ۱. آشنایی با اعمال عبادی

ابن سینا عبادات را به دو قسم عبادات عقلی و شرعی تقسیم می‌کند. عبادت عقلی بدین‌گونه با عبادت شرعی ارتباط پیدا می‌کند که عقل آدمی به تنزیه نفس حکم می‌کند؛ تنزیهی که به واسطه آن اخلاق و ملکاتی حاصل شود تا آدمی افعالی را انجام دهد که نفس را از هیئت بدنی دور می‌کند و به یاد اصل خود می‌اندازد. هنگامی که نفس به‌طور متناوب به ذات خود رجوع کند، از حالات بدنی منفعل نمی‌شود و کم‌کم ملکه تسلط بر بدن را به دست آورده و آفات بدنی بر وی تأثیری نخواهد داشت. بدین‌گونه ملکه توجه به حق و اعراض از باطل در او حاصل می‌شود و استعدادهای شدید برای رسیدن به سعادت حقیقی بعد از مفارقت از بدن را می‌یابد. افزون بر این اگر آدمی بداند که پیامبر ﷺ از طرف خداست و شریعت او از خدا بر انسان‌ها واجب شده است، همان اعمال عقلی را اگر با نیت امتثال امر خداوند انجام دهد، عبادت خواهد بود (شجاری، ۱۳۹۰، به نقل از ابن سینا، ص ۴۱).

ابن سینا عبادات را بر دو قسم عبادت عارف و عبادت غیر عارف می‌داند؛ عبادت غیر عارف معامله کردن با خداست؛ یعنی عمل در دنیا در مقابل اجر و ثواب در آخرت؛ اما عبادت عارف چیزی است که همت و قوای نفسانی وی را از تمایل داشتن به عالم جسمانی و مشغول بودن با آن باز داشته و او را به توجه به عالم عقلی می‌کشاند. از این‌رو خداوند به عارفان که دارای نفوس پاک هستند، قوه‌ای عطا می‌کند که هنگام دعا کردن می‌توانند بر مواد تأثیر بگذارند و مواد با اراده آنها تغییر می‌کند. این معنای اجابت دعاست (ابن سینا، ۱۳۹۱، ترجمه ممدوحی، ص ۱۶۵).

یکی از بارزترین مصادیق تربیت عبادی و بلکه مهم‌ترین نمود آن در حوزه احکام و عبادات، نماز است. نماز بزرگترین فریضه الهی و پیش‌درآمد قبولی دیگر اعمال و عبادات است. ابن سینا در این باره می‌نویسد: در کودکی به فرزندان نماز را تعلیم دهید و هنگام بلوغ، آنان را به نماز وا دارید.

ابن سینا برای آموزش نماز در پیش از بلوغ، تنبیه مختصر فرزند به خاطر ترک آن را روا دانسته است. «کودکان اهل خانه‌ات را با زبان به نماز و طهارت تأدیب نما. وقتی به ده سالگی رسیدند، آنان را بر ترک آن، تنبیه بدنی نما ولی از سه بار بیشتر تجاوز نکند» (ابن سینا، ۱۳۶۰، ترجمه دری، ص ۲۵۰).

## ۲. آشنایی با مضامین قرآن

قرآن کتاب آسمانی و مهم‌ترین منبع اسلامی است. قرآن سرچشمه معارف الهی است و در تربیت دینی جایگاهی بس عظیم دارد. ابن سینا معتقد است که باید به کودکان قرآن را آموزش داد، معارف و احکام آن را برای آنها بیان نمود تا قرائت قرآن را یاد گرفته و در عمل کردن به احکام آن پایبند باشند (همو، ص ۲۵۳). وی همچنین می‌نویسد: کودکان در خردسالی باید با قرآن آشنا شوند تا بدانند که آنچه را والدین و یا مربی تحت عنوان تکلیف شرعی، وی را به انجام آن ترغیب می‌کنند، خواست خداوند سبحان است.

ابن سینا در این باره می‌نویسد: به کودکان قرآن بیاموزید و آنها را با تبشیر و انذار و ثواب و عقاب اخروی که خداوند برای انجام و ترک اعمال عبادی قرار داده آشنا نمایید (ابن سینا، ۱۳۶۰، ترجمه دری، ص ۲۱۴).

– زمینه‌های تربیت عبادی

### ازدواج

ابن سینا در ارتباط با تأثیر وراثت یا «عرق»، اشاره به این نکته دارد که والدینی که خود را نسبت به احکام و اعمالی که شارع مقدس (خداوند) واجب و یا حرام اعلام نموده است، مکلف باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که فرزندان آنها نیز به وظایف شرع اسلام پایبند باشند (ابن سینا، ۱۳۱۹، ترجمه نجمی زنجانی، ص ۵۸). یکی از زمینه‌های عملی در تربیت کودک گزینش زن نیکو و شایسته برای ازدواج است. ابن سینا در این باره می‌نویسد: «زن نیکو و شایسته، شریک مرد است در املاکش و قیم اوست در مالش و جانشین وی است در خانه‌اش و امین وی است در پرورش و تربیت فرزندانش (همان، ص ۳۹).

توجه زوجین به خداوند و معاد و در سرداشتن افکار مثبت و اندیشه‌های پاک، از زمینه‌های تربیتی آیین حیات‌بخش اسلام است که این شیوه‌ها را در هنگام مباشرت انعقاد نطفه به زوجین پیشنهاد می‌کند تا زمینه‌ای نیکو و پاک برای انعقاد نطفه فراهم آید (آریا، به نقل از ابن سینا، ۱۳۹۱، ص ۳۹-۴۰).

با توجه به مطالب پیش‌گفته، مشخص می‌شود که ابن سینا، یکی از زمینه‌های مهم در تربیت عبادی و در واقع نخستین گام در این زمینه را انتخاب همسری شایسته و دیندار می‌داند؛ زیرا ایجاد نطفه‌ای پاک در تربیت عبادی کودک تأثیرگذار است. از طرفی از آنجایی که کودکان با والدین خود همانندسازی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که اگر والدین در تقید به اعمال و احکام شرع خود را موظف بدانند، این احتمال وجود دارد که فرزندان آنها نیز نسبت به تکالیف شرعی مقید باشند.

#### - اصول تربیت عبادی

##### الف. اصل آشنایی و زمینه‌سازی برای انجام اعمال عبادی

یکی از اصول تربیت عبادی، اصل «زمینه‌سازی» و ایجاد آمادگی در کودکان از نظر روحی، نسبت به انجام عبادات است. برای تحقق این هدف، می‌توان براساس برنامه‌ای منظم، بدان جامعه عمل پوشاند. از طرفی نباید انجام اعمال واجب عبادی را تا زمان بلوغ به تأخیر انداخت؛ بلکه باید زمینه آن را از همان اوان خردسالی ایجاد نمود.

این اصل افزون بر تأکید نسبت به عبادات، باعث آمادگی پذیرش و انجام تکالیف شرعی و همچنین جلوگیری از کم‌توجهی کودکان نسبت به مسائل عبادی نیز می‌شود (احمدی، به نقل از ابن سینا، ۱۳۸۴، ص ۶۵). بوعلی می‌نویسد: ضروری است پیش از آنکه احکام و اعمال عبادی در حق کودکان به مرحله وجوب برسد، زمینه رویارویی صحیح با احکام و اعمال عبادی را در آنان ایجاد کرد؛ زیرا این اقدام در رشد و کمال معنوی انسان تأثیر مستقیم دارد. هدف از تربیت عبادی در دوره کودکی، پرورش و تقویت روحیه عبادی و ایجاد آمادگی برای «تکلیف‌پذیری» و تشویق کودکان به انجام تکالیف عبادی است (ابن سینا، ۱۳۱۹، ترجمه نجمی زنجانی، ص ۱۳۱).

ابن سینا در رابطه با آشنایی کودکان با اعمال عبادی می‌نویسد: کسانی که با تدبیر و حکمت قدم را راه عمل به اعمال عبادی برمی‌دارند، خواه ناخواه با تبعیت بدن از روح، مشابهت بین روح و بدن در ایشان ظاهر می‌شود، آنچنان‌که انگار تن به طرف روان پرواز می‌نماید؛ در نتیجه قوای طبیعی ایشان تحت سرپرستی نظام عقلانی درمی‌آید. به بیان ابن سینا این تشابه عالم مادی با عالم روحی، وی را از عالم ملک به عالم ملکوت می‌رساند؛ بلکه اشرف از همه موجودات عالم خواهد شد (ابن سینا، ۱۳۹۱، ترجمه ممدوحی، ص ۱۵۴).



### ب. اعتدال در انجام اعمال عبادی

از نظر بوعلی انحراف از اعتدال در هر چیز از جمله در عبادات و اعمال شرعی، انحراف از حق و گمراهی است. تربیت دینی اساساً تربیتی بر پایه اعتدال است. وی معتقد است برای اینکه کودکان و نوجوانان به انجام اعمال عبادی رهنمون شوند، باید آموزش این امور ابتدا از آسان شروع شود و از هرگونه افراط و تفریط در این زمینه پرهیز شود تا به تدریج این اعمال به صورت عاداتی راسخ نمایان شوند (ابن سینا، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳۴). ابن سینا در آموزه‌های خود، دین و خرد را در هم می‌آمیزد و به والدین و مربیان توصیه می‌کند که نخست کودکان را در قید ناموس (الهی دین) درآورند؛ زیرا دین می‌تواند انسان را به صراط مستقیم که همان ملکه اعتدال است، رهنمون شود.

#### - روش‌های تربیت عبادی

##### الف. روش آماده‌سازی برای انجام اعمال عبادی

زمینه آموزش اعمال عبادی مثل نماز و روزه و... به کودکان باید قبل از سن تکلیف ایجاد شود؛ به‌گونه‌ای که کودکان، آمادگی پذیرش و انجام اعمال شرعی را برای زمان بلوغ پیدا کنند. فلسفه انجام این اعمال در سنین قبل از تکلیف، این است که تمرین و تکرار این اعمال سبب نفوذ و تأثیر آنها در روح و جان کودک می‌شود (ابن سینا، رسائل، بی تا، ص ۱۸۹).

##### ب. مشاهده و الگوپذیری از والدین در انجام اعمال عبادی

با توجه به اینکه خداوند، فطرتی پاک را در وجود انسان به ودیعه قرار داده است، کودک گرایش عاطفی به یادگیری و انجام اعمال عبادی دارد. بسیاری از آداب و اعمال عبادی را کودک از طریق مشاهده و تقلید فرا می‌گیرد. در این زمینه والدین بهترین الگوی عملی برای تقلیدپذیری کودک می‌باشند. با توجه به این ویژگی باید شرایط و موقعیت‌های لازم را جهت الگوپذیری کودک از اعمال عبادی والدین فراهم نمود؛ زیرا در نتیجه این اقدام، کم‌کم زمینه انس بیشتر و گرایش به یادگیری اعمال و تکالیف عبادی مثل نماز در وجود کودک تقویت می‌شود (ابن سینا، ترجمه در، ۱۳۶۰، ص ۲۵۰).

##### ج. آشنا نمودن کودک با اماکن و امور مذهبی قبل از رسیدن به سن تکلیف

حضور کودکان در اماکن مذهبی (مساجد) و آشنایی با امور مذهبی مثل نماز جماعت و دعا کردن، آنان را برای اقامه نماز و حضور در مسجد ترغیب می‌کند. از این طریق روح عبادت در جان

آنان نفوذ پیدا می‌کند و به نگرش‌های دینی والاتری دست پیدا می‌کنند. این امر زمینه‌گرایش به اعمال عبادی را در کودکان به صورت آگاهانه به وجود می‌آورد (همو، ص ۱۴۹).

### محتوای تربیت عبادی

#### الف. محتوای عبادی

ابن سینا در آثار خود به مسئله آموزش و تعلیم ماهیت عبادات اسلامی مانند نماز و روزه و حج اشاره نموده است و انجام این عبادات را مایه سعادت و خوشبختی انسان‌ها می‌داند (زیباکلام مفرد، به نقل از ابن سینا، ۱۳۸۰، ص ۴۲).

برای مثال ایشان در مسئله تعلیم نماز در رساله ماهیت الصلاة نماز را در دو بعد ظاهر و باطن بررسی می‌نماید. یکی از بارزترین مصادیق تربیت دینی و بلکه مهم‌ترین نمود آن در حوزه احکام و عبادات، نماز است. نماز بزرگترین فریضه الهی و پیش درآمد قبولی دیگر اعمال و عبادات است. ابن سینا در بررسی ماهیت نماز به ساختار آفرینش هستی و جایگاه انسان در بین مخلوقات می‌پردازد و سپس وجود قوه عاقله را در انسان نعمتی الهی می‌شمرد و آن را علت مخاطب قرار گرفتن انسان از سوی خداوند معرفی می‌کند. ابن سینا با استناد به حدیث «عباد الدین» و آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، به استدلال و برهان فلسفی-عرفانی اسرار این فریضه الهی می‌پردازد. وی نماز را به دو بخش ظاهر و باطن تقسیم می‌کند: ظاهر نماز، ارکان و افعال مخصوص اقامه نماز و مرادش از باطن نماز، حقیقت و روحانیت نماز می‌باشد که مربوط به نفس ناطقه انسانی است (ابن سینا، ۱۳۹۱، ترجمه ممدوحی، ص ۱۴۳).

ابن سینا در مورد آموزش نماز بین دوره کودکی و بلوغ فرق گذاشته است. در دوره کودکی تا قبل از ده سالگی فقط سفارش به آموزش و تعلیم نماز می‌نماید و تنها به اقدام زبانی و سفارش کلامی اکتفا می‌نماید. در این مرحله تأکید بر آمادگی و زمینه‌سازی برای اقامه نماز شده است؛ اما در ده سالگی به علت رشد مناسب کودک در این سن و تا حدودی رسیدن به سن تمییز و تشخیص، تأکید عملی بر اقامه نماز است و آنگاه که کودکان (پسران) به سن بلوغ رسیدند تأکید بر واداشتن آنها به نماز و ترک نکردن آن است.

توجیه عقلانی ابن سینا درباره چرایی تشریح عبادات در دین، این است که اصولاً دین باید به گونه‌ای باشد که بعد از دوران حیات پیامبر نیز برقرار بماند؛ از این رو سنت‌هایی مانند نمازهای روزانه و اذکار یومیه، دائماً توجه انسان را به اصل حقیقت خود معطوف می‌کنند. همچنین سنت‌هایی مانند روزه، تمامی طبیعت انسان را متوجه فرمان الهی می‌کنند و نیز به سرّ سنت‌هایی مانند نذر و قربانی اشاره می‌کند و به‌طور خاص، به توجیه عقلانی و تعلیم فلسفه نماز، به‌عنوان

اشرف عبادات، با همه آداب و شرایط آن می‌پردازد. اثر این عبادات در تقرّب حقیقی به خداوند را تبیین کرده و توضیح داده است که توجه باطنی به خداوند، اگر توأم با اعمال بدنی و عبادی خاص باشد، دارای تأثیر ویژه در نزدیکی به خداوند است (غفاری، به نقل از ابن سینا، ۱۳۹۱، ص ۵۸). حقیقت نماز از دید ابن سینا عبارت‌اند از:

۱. معرفت بخشی: ابن سینا در این باره معتقد است که نماز روح در طبیعت مانده انسان را از گور جسم و جسمانیت خارج می‌کند و در طلب عبودیت و اخلاق از معبود ذوالجلال و الاکرام، کمال خالص را که حقیقت دین است، درخواست می‌نماید؛

۲. پی بردن به صفات خدا و احاطه او به همه هستی: ابن سینا معتقد است که نمازی که با نیت خاص گزارده شود، نمازگزار را در فهم اینکه تعدد در صفات خدا راه ندارد، یاری می‌رساند. از دید ابن سینا، اخلاص در نیت به این معناست که نمازگزار بفهمد، کثرت صفات فقط در مورد مخلوقات و بندگان صدق می‌کند که شنیدن، بینا بودن، قدرت، علم و حکمت آنها جدای از حیاتشان است و خداوند یک واحد احد است که کثرت به ذات اقدس ربوبی او راه ندارد و تنها او جان‌دهنده به همه موجودات و تدبیرکننده عالم است. اگر نمازگزار خدایش را این‌چنین بشناسد و نماز را در محضر حقیقتی که محیط به همه کمالات و هستی و محیط به خود نمازگزار است، ادا کند، این شخص موفق و مؤید است؛

۳. پی بردن به اسرار آداب نمادین نماز: ابن سینا معتقد است که شارع مقدس (خداوند)، نماز را برترین عبادت‌ها دانسته است که متناسب با ظاهر بدن و باطن روح و جان انسان است (ابن سینا، ۱۳۹۱، ترجمه ممدوحی، ص ۱۰۲).

ب. آموزش واجبات و محرمات: ماه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
از منظر ابن سینا در تکالیف شرعی دو نکته وجود دارد: یکی اینکه، شارع مقدس (خداوند)، می‌داند که بسیاری از نفوس، لایق و قابل برای رشد و وصول به مقامات منیع و درجات والای انسانی نیستند؛ ولی حتماً باید در طریق تربیت و دستورات و فرمان شارع قرار گیرند؛ زیرا نظام طبیعی و هواهای نفسانی آنان موجب می‌شود که به طرف حیوانیت و بهیمیت حرکت کنند و عاقبت در حد بهایم بمانند. به همین جهت خداوند آنان را رها نکرد تا از ظواهر دستورات و عبادات بدنی متأثر شوند (ابن سینا، ۱۳۹۱، ترجمه ممدوحی، ص ۱۳۰).

احکام الزامی (واجبات و محرمات) عبارت از تکالیف و احکامی است که به دلیل اهمیت زیاد آنها در تربیت و هدایت انسان، الزامی بوده و انجام آنها ضرورت یافته است و انسان مسلمان مجاز به ترک و یا سهل‌انگاری در آنها نیست. این تکالیف هم جنبه فعلی دارد و هم جنبه ترکی که

از دسته اول با عنوان «واجبات» و از دسته دوم با عنوان «محرمات» یاد شده است؛ اما احکام غیر الزامی شامل تکالیف و احکامی است که در رتبه پایین تر از احکام الزامی قرار دارد و درجه اهمیت و نقش آنها در تربیت انسان به درجه تکالیف الزامی نمی‌رسد؛ از این رو، این تکالیف، ویژگی الزامی بودن را ندارند. احکام غیر الزامی نیز همانند احکام الزامی جنبه فعلی و جنبه ترکی دارد که از دسته اول به «مستحبات» و از دسته دوم به «مکروهات» یاد می‌شود. از نظر ابن سینا، یکی از اصول تربیتی مهمی که در این باره می‌توان از فقه استخراج نمود، اصل سختگیری در احکام الزامی و آسان‌گیری در غیر احکام الزامی است. مفاد این اصل تربیتی آن است که فعالیت‌های تربیتی اهمیت یکسانی ندارد؛ بلکه برخی برای موفقیت و پرورش متربی جنبه حیاتی و اساسی دارد و برخی اهمیت کمتری دارد (ابن سینا، ۱۹۹۸، ص ۳۸۷).

بنابر آنچه گذشت، تربیت عبادی و مقید بودن به انجام عبادات، نقش برجسته‌ای در زندگی فرد مسلمان ایفا می‌نمایند. به دیگر سخن، این بخش از تربیت دینی همه یکی از نیازهای اساسی انسان است که در پرتو تربیت صحیح آن می‌تواند به کمال مطلوب خویش برسد.

### ج. آموزش دعا کردن

ابن سینا دعا را برای رسیدن آدمی به کمال واجب می‌داند. از نظر وی همچنان که سبب صحت یافتن شخص بیمار، استفاده از دارویی خاص است و بدون آن سلامتی خود را باز نخواهد یافت، حکمت خداوند بر این تعلق گرفته که سبب رسیدن به بعضی از کمالات نیز دعا کردن باشد. از این رو ابن سینا دعا کردن را واجب می‌داند؛ همچنان که توقع اجابت دعا نیز واجب است؛ البته این نکته منافاتی با قاعده علیت ندارد؛ زیرا خود دعا کردن هنگامی که شرایط مهیا باشد، می‌تواند جز علت برای حصول متعلق دعا باشد. این اشکال نیز وارد نخواهد بود که آدمی معلول خداوند است نمی‌تواند در علت خود تأثیری داشته باشد به این دلیل که خود خداوند علت است، بر اینکه آدمی به دعا پردازد و سبب به استجابت نرسیدن بعضی از دعاها گرچه استجابت آن برای دعاکننده نافع خواهد بود، این است که گاه غایتی که برای شخص نافع است، نسبت به نظام کل عالم نافع نخواهد بود. در این صورت استجابت دعا صحیح نیست (شجاری، ۱۳۹۰، به نقل از ابن سینا، ص ۱۵۰).

## عوامل تربیت عبادی

### الف. خانواده

ابن سینا در ارتباط با لزوم تربیت عبادی معتقد است: «برای جلوگیری از مخالفت با شرع، ثواب و عقاب اخروی، لازم و واجب است و باید به آن ثواب‌دهنده و عقاب‌دهنده شناخت پیدا کرد. و همچنین باید با نماز و روزه و عبادات دیگر، یاد خداوند را همیشه در خاطر نگه داشت» (ابن سینا، ۱۳۶۳، ترجمه حسن ملکشاهی، ص ۴۴۳).

نخستین بستر تقویت روحیه عبادی در وجود کودک، خانواده است. اگر کودک در خانواده‌ای رشد یابد که والدین نسبت به فرامین دین و اجرای احکام آن مقید باشند، امید بیشتری می‌رود که کودک نیز به این امور پایبند باشد.

ابن سینا معتقد است که آموزش اعمال عبادی و احکام آنها باید در بطن خانواده و از سنین خردسالی قبل از سن تکلیف آغاز شود. در این زمینه توصیه می‌کند که والدین ابتدا خود باید الگویی عملی در انجام آن اعمال باشند و از طرفی رویه معتدل در آموزش واجبات و احکام آن به فرزندان در پیش بگیرند. یکی از شروط لازم برای تأثیر امر و نهی والدین در محیط خانه برگرفته از اندیشه‌های ابن سینا، قابل فهم بودن آنها برای کودک است.

به عبارتی ابن سینا مسئله رعایت تفاوت‌های فردی را مطرح می‌کند؛ یعنی هر کس خصوصیات منحصر به فردی دارد که باید به آن توجه نمود؛ به‌ویژه در دوره کودکی، رعایت این تفاوت‌ها در تربیت دینی کودک نقش اساسی دارد. تفاوت در استعداد و میزان درک و فهم مطالب، از محورهای مهم تفاوت فردی است که باید در محیط خانه به وسیله والدین رعایت شود. پدر و مادر باید با توجه به آمادگی ذهنی و ادراکی کودک اعمال عبادی را تعلیم دهند. اساساً شیوه تعلیمات انبیا نیز در تبلیغ دین به مردم این بوده که با هر کس به قدر استعداد و سطح درک و فهمش سخن می‌گفتند (ابن سینا، ۱۳۱۹، ترجمه نجمی زنجانی، ص ۸۲).

یکی دیگر از عوامل مؤثر از دیدگاه ابن سینا در تربیت عبادی کودک در دل خانواده، هماهنگ بودن علم و عمل والدین است؛ یعنی آنچه والدین از کودک می‌خواهند و به انجام آن دستور می‌دهند پیش از هر چیز، خود عامل به آن باشند. انطباق علم و عمل در محیط خانه که فضای شکل‌گیری منش‌ها و باورهای دینی کودک است، اهمیت فراوان دارد.

والدین باید در آموزش اعمال عبادی رعایت تدریج و اعتدال را بنمایند. به بیانی دیگر توجه داشته باشند که با سخت‌گیری‌ها و نادیده گرفتن ظرفیت فرزندان، سبب دین‌گریزی وی نشوند (داودی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵). از نظر ابن سینا، سعادت و شقاوت حقیقی در آخرت پدید می‌آید؛ ولی

عبادت و معرفت، داروی آن و جهل و معصیت، زهر آن سعادت است (شجاری، ۱۳۹۰، به نقل از ابن سینا، ص ۶۲). بنابر مطالب یاد شده بر والدین است که از دوره کودکی به آموزش صحیح اعمال عبادی و احکام آن در حد توان ذهنی کودکان بپردازند.

برای تحقق و علاقه‌مند کردن کودکان به فراگیری و انجام تکالیف عبادی، ضروری است اقدام‌های لازم و مقتضی را از همان دوران کودکی به عمل آورد. به این ترتیب، با برنامه‌ریزی دقیق سعی شود مطالب دینی و عبادی مورد نیاز و ضروری را به صورت ساده و قابل فهم به کودکان آموزش داد و آنان را به انجام اعمال و پایبندی به آن تشویق کرد. در انجام تکالیف نیز باید به این نکته توجه شود که والدین ابتدا با تکالیف عبادی آسان آغاز نمایند و از هرگونه افراط و تفریط در این زمینه بپرهیزند (ابن سینا، بی‌تا، ص ۸۹). برای موفقیت در امر تربیت دینی ضروری است به نکات ذیل توجه شود:

- زمزمه حیات‌بخش اذان و اقامه در گوش چپ و راست نوزاد به منزله نخستین نغمه معنوی در مسیر زندگی سعادت‌بخش؛

- ایجاد علاقه در کودک به ارتباط قلبی با خدا؛

- حضور کودکان در مسجد و خواندن نماز جماعت همراه والدین؛

- استفاده از شیوه‌های تشویقی و محبت در آموزش‌های تکالیف عبادی، بدون امر و نهی؛

- آشنا کردن دانش‌آموزان با عبادت‌های واجب و مستحب، به‌ویژه نمازهای یومیه و روزه؛

- ارائه و آموزش تکالیف عبادی به کودکان به صورت ملموس و عینی و متناسب با توانایی

آنان، با استفاده از روش‌های آموزشی ساده و بهره‌گیری از اشعار، داستان و متون آسان در برنامه‌های درسی و ترتیب دادن نمایش‌های شاد و آموزنده عبادی در مراکز آموزشی؛

- طبیعی است که همه این موارد مربوط به دوره کودکی نیست و این مسائل باید به تدریج و در مراحل مختلف سنی، در طول دوره تحصیلی آموزش داده شوند؛ اما در دوره ابتدایی باید تا حد ممکن، دانش‌آموزان را با کیفیت انجام برخی از عبادات به‌ویژه نماز و روزه آشنا کرد (آریا، به نقل از ابن سینا، ۱۳۹۱، ص ۳۹-۴۰). از طرفی ابن سینا برای اینکه کودکان را با عبادات و اعمال شرعی آشنا کند معتقد است: «وقتی که شما پایه صحبت و مجالست خودتان را در خانواده روی اساس دین و مروت گذاشته‌اید آنگاه وظیفه و تکلیف شما این است که مقتضای دین و مروت را مراعات کرده، در رفتار و کردارتان بر طبق میزان دین و مروت رفتار بکنید و چیزی را که برخلاف شرع دین و مروت باشد، مورد اعتنا قرار ندهید» (ابن سینا، ۱۳۱۹، ترجمه نجمی زنجانی، ص ۲۴). در این تعریف ابن سینا پیروی از مصاحبت دینی با فرزندان را راهی برای آموزش مفاهیم و اعمال دینی به کودکان و نوجوانان می‌داند.

از دیدگاه ابن سینا باید در خانواده محیطی را فراهم نمود تا افزون بر عمل به واجبات دینی کودکان با دیدن رفتار و اعمال والدین خود، سعی در همانندسازی این اعمال با والدین خود نمایند.

### ب. محیط

بی‌گمان وضع محیط اجتماعی زندگی انسان اثر فوق‌العاده‌ای در روحیات و اعمال او دارد؛ زیرا انسان بسیاری از صفات خود را از محیط کسب می‌کند. محیط‌های پاک غالباً افراد پاک پرورش می‌دهند. البته انسان می‌تواند در محیط ناپاک، پاک زندگی کند و به‌عکس در محیط‌های پاک سیر ناپاکی را طی کند؛ به‌دیگرسخن شرایط محیط علت‌تأمه در خوبی و بدی افراد نیست.

تأثیر محیط را به‌عنوان یک عامل زمینه‌ساز نمی‌توان انکار کرد. محیط مساعد و پاک، موجب رشد و شکوفایی زمینه‌های اولیه وراثتی در خصوص عمل به اعمال و تکالیف شرع اسلام می‌شود و می‌تواند رفتار و اعمال فرد را هدایت و الگوهای مناسبی برای شخصیت وی فراهم کند.

در یک محیط آلوده، پرورش انسان‌های پاک و مقید به شرع مشکل است؛ هر چند تعلیمات قوی و مؤثر باشد. به همین دلیل، برای تهذیب نفوس و تحکیم عمل به تکالیف شرع باید به اصلاح محیط اهمیت فراوان داد (ابن سینا، ۱۳۱۵، ترجمه ابردانا سرشت، ص ۱۲۰). موضوع دیگری که ابن سینا در باب تأثیر محیط به آن اشاره می‌کند، توجه والدین به مسئله معاشرت و دوستی فرزندان است. غالباً دوستان و معاشران ناباب و آلوده سبب آلودگی افراد پاک شده‌اند که البته عکس آن نیز صادق است (ابن سینا، ۱۳۴۷، ترجمه جعفر نقدی، ص ۵۹).

از دیدگاه ابن سینا، دین، سعادت همه‌جانبه انسان را وجهه همت خویش قرار داده و برای رساندن بشر به سعادت و رستگاری و بارور شدن همه استعدادها و ظرفیت‌های وجودی او، احکام و قوانین لازم را تشریح کرده و فرا راه بشر نهاده است. گرچه پرداختن به اعمال عبادی و امور اخروی جزء مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف دین از دید ابن سیناست. به باور او، رسیدن به این هدف و تحقق آن در جامعه انسانی، هرگز بدون توجه به مسائل دنیوی و حل مشکلات مادی و جسمی میسر نیست.

### ج. مدرسه

بعد از خانواده، مدرسه نقشی اساسی در یادگیری و آموزش اعمال عبادی واجب و مستحب و احکام آنها دارد. معلم باید ضمن اینکه تکالیف عبادی را به صورت ساده و به زبان کودکان، به کودک انتقال می‌دهد، متناسب با ظرفیت وجودی آنها، فلسفه انجام این تکالیف را نیز برای آنان

بیان کند تا دانش آموزان براساس معرفت کسب شده، به اعمال عبادی مشتاق باشند. هدف از تربیت عبادی صرفاً حفظ اذکار و اعمال عبادی نیست؛ بلکه مراد، تربیت انسانی است که داری بینش الهی باشد (غفاری، به نقل از ابن سینا، ۱۳۹۱، ص ۵۵). همچنین، معلم باید با تشویق و ترغیب، مربی را به انجام اعمال عبادی به‌ویژه نماز مشتاق کند. از طرفی خود معلم هم باید در انجام اعمال و تکالیف دینی عامل به عمل باشد؛ زیرا کودکان معلمان خود را در مقام الگو و اسوه می‌بینند.

#### د. دوستان و همسالان

یکی از نیازهای اساسی کودکان، وابستگی به گروه دوستان است و از آنجا که کودک از همسالان خود تقلید می‌کند و می‌کوشد که خود را همانند آنها کند، بنابراین یکی از عوامل تأثیرگذار در تربیت عبادی کودکان، عامل دوستان و همسالان می‌باشد.

انسان براساس فطرت خود در سراسر زندگی، میل به رفاقت و دوستی دارد. دوستان نه تنها با هم انس می‌گیرند و با همنشینی، موجب شادمانی و نشاط یکدیگر را فراهم می‌آورند، بلکه هر رفیقی به تناسب درجه رفاقت و دوستی در دوست خود رسوخ می‌کند و هر یک دانسته و نادانسته بر گفتار و کردار دیگری تأثیر می‌گذارد. این تأثیرپذیری، به نحو اقتضا می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «المرء علی دین خلیله و قرینه»؛ انسان بر دین و آیین همنشین خود است.

تأثیری که همنشین و دوست بر کودک می‌گذارد، بسیار بیشتر از پند و اندرز والدین و معلمان است. کودکان در برابر گفته‌های دوستان ناخودآگاه گفتار و رفتار آنها را بر می‌گیرند (ابن سینا، ۱۹۹۸، ص ۹۴). امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «من اتخذ اخا من غیر اختبار الجِـسَاءِ الاضطرارالی مرافقه الاشرار»؛ کسی که ناسنجیده با دیگران پیمان دوستی ببندد، ناچار باید به رفاقت با اشرار تن در دهد» (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳، ص ۹۹).

#### نتیجه‌گیری

بنابر سخنان بوعلی، یکی از ابعاد عملی تربیت دینی، شیوه تربیت عبادی است. بوعلی درصدد بوده است که با بیان اهداف، ویژگی‌ها، اصول، زمینه‌ها، عوامل و موانع تربیت عبادی مبتنی بر تربیت اسلامی، تصویری از نحوه صحیح و چگونگی تربیت عبادی را به تصویر بکشد و نقش مهم آن را در رشد دادن و تربیت انسان‌ها در مسیر عبودیت و بندگی مطرح کند. از نظر وی تربیت عبادی کودکان اهمیت خاصی در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد. وی می‌نویسد بسیاری از



افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات سستی از خود نشان می‌دهند، بی‌اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند؛ بلکه عواملی چون بی‌توجهی و یا عدم تقید والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی، عدم ورزیدگی کودکان در انجام عبادات در کودکی و ناآگاهی آنان از فلسفه و اهمیت عبادات، در این زمینه نقش داشته‌اند.

برای رفع این مشکل از نظر ابن سینا ضروری است پیش از سن تکلیف کودکان با اعمال و تکالیف عبادی، فلسفه و فواید اعمال عبادی متناسب با دوره کودکی آشنا شوند. والدین و مربیان به‌عنوان مسئولان اصلی تربیت، باید زمینه فراگیری و انجام برخی از مسائل دینی را برای کودکان فراهم نمایند. از سویی دیگر، وی به بیان این نکته می‌پردازد که باید در تربیت عبادی جانب اعتدال را نگه داشت تا انجام اعمال عبادی برای کودکان خسته‌کننده نباشد و از سویی دیگر مقدمه و زمینه‌ای باشد برای انجام آن اعمال در دوره جوانی و بزرگسالی.



### منابع و مأخذ

۱. ابن سینا، ابوعلی (۱۴۰۰ق)، رسائل الشیخ بوعلی سینا، رساله فی السعاده، قم: انتشارات بیدار.
۲. ابن سینا، ابوعلی (۱۳۱۵)، روان‌شناسی شفا، ترجمه اکبر ابردانا سرشت، تهران: انتشارات سروش.
۳. ابن سینا، ابوعلی (۱۳۷۷)، النفس من کتاب شفا، ترجمه حسن حسن‌زاده آملی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. ابن سینا، ابوعلی (۱۳۹۱)، رساله الصلاه، ترجمه حسن ممدوحی، قم: انتشارات بیدار.
۵. ابن سینا، ابوعلی (۱۳۶۰)، رسائل ابن سینا، ترجمه ضیاالدین دری، تهران: کتابخانه مرکزی.
۶. ابن سینا، ابوعلی (۱۹۹۸)، رساله فی البر والاثم، المذهب التربوی عند ابن سینا، عبدالامیر شمس‌الدین، بیروت: الشركه العالمیه الکتاب.
۷. ابن سینا، ابوعلی (۱۹۹۸)، رساله فی العلم الاخلاق، عبدالامیر شمس‌الدین، بیروت: الشركه العالمیه الکتاب.
۸. ابن سینا، ابوعلی (۱۳۶۷)، اشارت و تنبیهات، جلد دوم؛ منطق، ترجمه حسن ملکشاهی، تهران: سروش.
۹. ابن سینا، بوعلی حسین بن عبد الله (بی‌تا)، عیون الحکمه، مندرج در رسائل ابن سینا، قم: انتشارات بیدار.
۱۰. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۱۹)، ابن سینا و تدبیر منزل، ترجمه و نگارش محمد نجمی زنجانی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۴۷)، تدابیر المنازل والسیاسات الاهلیه، ترجمه جعفر نقدی، بغداد: مجله المرشد.
۱۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۳)، الاشارات و التنبیهات (متن اصلی به همراه ترجمه و شرح از حسن ملکشاهی)، تهران: انتشارات سروش.
۱۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۷)، الهیات نجات، ترجمه یحیی یثربی، چاپ اول، تهران: نشر فکر روز.
۱۴. احمدی، احمد (۱۳۸۴)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۱۵. آریا، امیر (۱۳۹۱)، معرفی آراء روان‌شناسی و تربیتی ابوعلی سینا با مختصر افکارش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

۱۶. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۴)، آرای دانشمندان مسلمان به‌ویژه ابن سینا در تعلیم و تربیت اسلامی، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۱۷. ایمان، محمدتقی و احمد کلاته ساداتی (۱۳۹۲)، روش‌شناسی تحقیقات کیفی، انتشارات حوزه و دانشگاه.
۱۸. جمور، فردین (۱۳۸۸)، تبیین مبانی ارزش‌شناسی و انسان‌شناسی تربیت اخلاقی آکوئیناس و نقد آن از منظر ابن سینا، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۹. خلیلی، سمیه؛ لیلا افشار و عباس محمود (۱۳۹۰)، «بررسی تعلیم و تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا (یک مقاله مروری)»، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال سوم، شماره هشتم، ص ۷۵-۱۰۳.
۲۰. داودی، محمد (۱۳۸۹)، بررسی و نقد اهداف تعلیم و تربیت در حکمت سینایی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۹۲، ص ۸۳-۱۰۲.
۲۱. داودی، محمد (۱۳۸۹)، تأملی در معنای تربیت دینی و نسبت آن با مفاهیم نزدیک، تهران: انتشارات راسخون.
۲۲. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۳)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا.
۲۳. زیباکلام مفرد، فاطمه و سمیرا حیدری (۱۳۸۷)، «بررسی دیدگاه ابن سینا در باب تعلیم و تربیت (مبانی، اصول، اهداف، محتوا، روش)»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، شماره ۳، ص ۶۹-۸۷.
۲۴. زیباکلام مفرد، فاطمه (۱۳۸۰)، تعلیم و تربیت در فلسفه ابن سینا و مقایسه آن با فلسفه اثبات‌گرایی و عمل‌گرایی، دانشگاه تهران: روان‌شناسی علوم تربیتی.
۲۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۸)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۲۶. شجاری، مرتضی (۱۳۹۰)، «سعادت و رابطه آن با معرفت و عبادت از دیدگاه ابن سینا»، نشریه پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، شماره مسلسل ۸، ص ۹۶-۱۱۵.
۲۷. غفاری، حسین (۱۳۹۱)، «جایگاه فلسفه دین در سنت فلسفه اسلامی به روایت ابن سینا»، پژوهش‌نامه فلسفه دین، سال دهم، شماره دوم، ص ۴۹-۶۳.